

E-CONTENT

UNIT- II

B.A SEMESTER 5TH (CBCS)

(GENERIC ELECTIVE)

TITLE:- SPOKEN PERSIAN LANGUAGE AND LITERATURE

COURSE CODE:- UPRTE-503

CREDITS:- 5+1

UNIT- II

(Singular) واحد

اسم واحد: جو اسم ایک آدمی یا حیوان یا چیز کا نام ظاہر کرے اسے اسم واحد یا اسم مفرد کہتے ہیں، جیسے: مرد۔ شیر، درخت، صندلی

وغیرہ۔

(Plural) جمع

اسم جمع: جب اسم میں ایک سے زیادہ آدمیوں یا جانوروں یا بے جان چیزوں کا مفہوم پایا جائے تو اسے جمع کہلاتا ہے، جیسے:

مرد سے مردمان

شیر سے شیران

درخت سے درختاں

صندلی سے صندلیاں

(Adverb) قید

قید: قید ایسا لفظ جو کسی دوسرے لفظ کو جوڑ کر اس کا مطلب نکالے۔ قید وہ کلمہ ہے جو صفت یا فعل یا دوسری قید کے ساتھ لگا یا جائے تو وہ اسے زمان و مکان، حالت، مقدار سے وابستہ کر دے، جیسے: احمد زیاد زیریک است (احمد بڑا ذہین ہے)

Kinds of Adverb: قید کی اقسام

قید کی آٹھ فرمیں ہیں:

۱۔ قیدِ زمان (Adverb of Time): جو کام کے زمانے کو بیان کرے، جیسے: امروز، امشب، سحرگاہ، صبحگاہ، زود، دری، ہمیشہ، پیش ازین، پیش ازان، دردہم، ناگہاں، اکنون، دیشب، پریشب وغیرہ۔

۲۔ قیدِ تکرار (Adverb of Frequency): ایک بار، دوسری بار، تیسرا بار، بھی، جہاں تک ممکن ہو، کبھی کبھار،

اکثر، اکثر و پیشتر وغیرہ۔

۳- قیدِ مکان (Adverb of Place): جو کام کے ہونے کی جگہ کو بیان کرے، جیسے: چپ، راست، پیش، نزدیک، بالا، پائین وغیرہ۔

۴- قیدِ مقدار (Adverb of Degree and Quantity): جو کام کے اندازے یا مقدار کو بتلائے، جیسے: چند، چندان، بس، بسی، پیش، پیشتر، کم، کمتر، ذرہ، ذرہ، قطرہ، قطرہ، فراوان، بسیار، زیاد وغیرہ۔

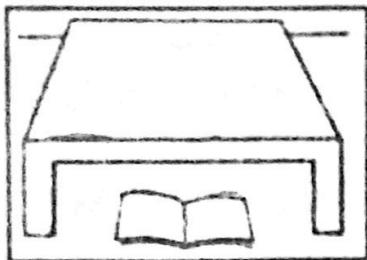
آموزش زبان فارسی (از مهدی ضرغامیان)

جلد، حصہ اول

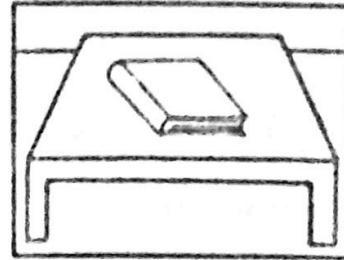
درس دوسم

درس دوم

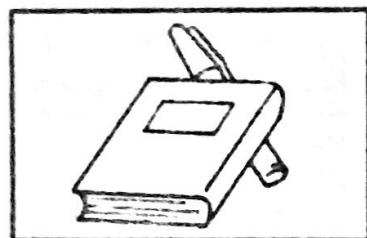
الگو.



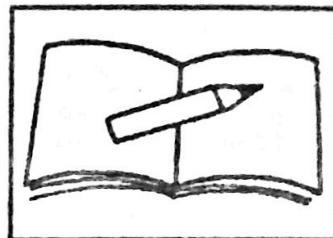
دفتر زیر میز آست.
[daeftaer zir-e Miz ast]



کتاب روی میز آست.
[ketab ruj-e Miz ast]



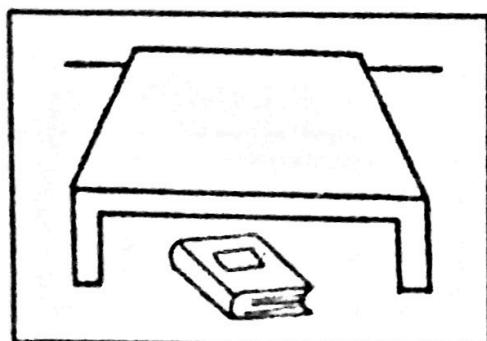
قلم زیر کتاب آست.
[qaelaem zir-e ketab ast]



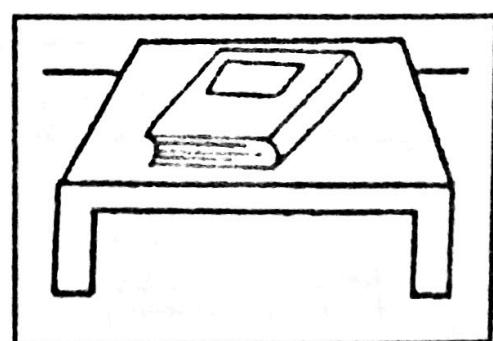
مداد روی دفتر آست.
[medad ruj-e daeftaer ast]

بخوانید

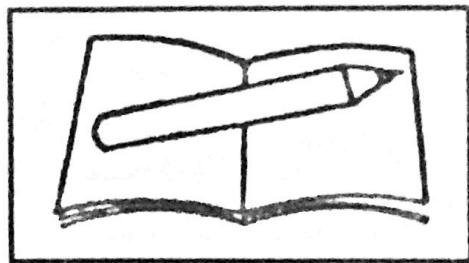
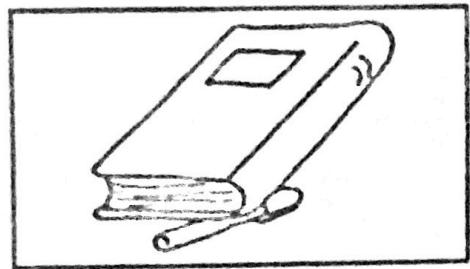
است	زیر میز	کتاب
		مداد
		دفتر
		قلم



کتاب بزرگ، زیر میز آست.
[ketab-e bozorg zir-e Miz ast]



کتاب بزرگ، روی میز آست.
[ketab-e bozorg ruj-e Miz ast]

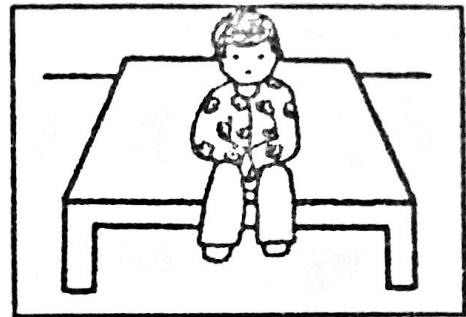
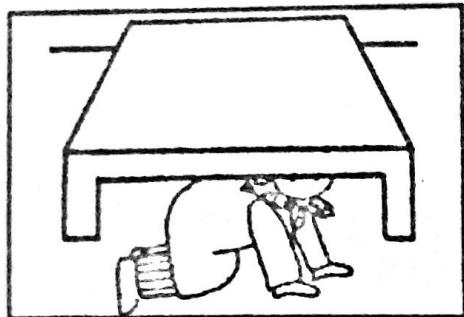


قلم کوتاه، زیر کتاب است

[medad-e bolaend ruj-e daestaaer aest]

مداد بُلند، روی دفتر است.

[qaelaan-e kutah zir-e ketab aest]



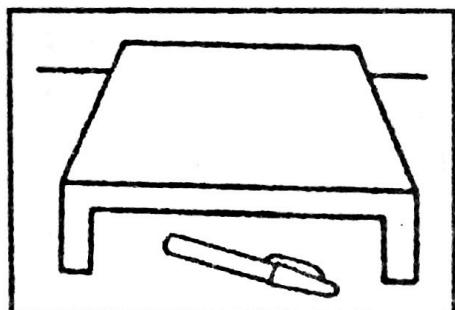
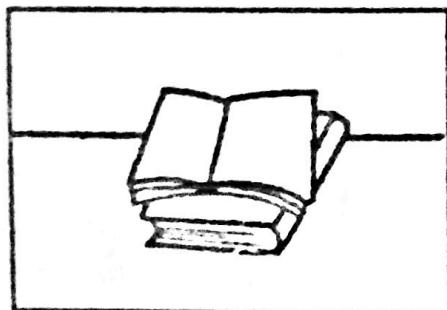
پسر کوچک، روی میز است. دختر کوچک، زیر میز است.

[doxtaaer-e kut faek zir-e Miz ast]

[pesaer-e kut faek ruj-e Miz ast]

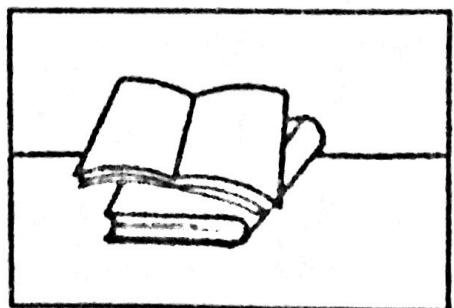
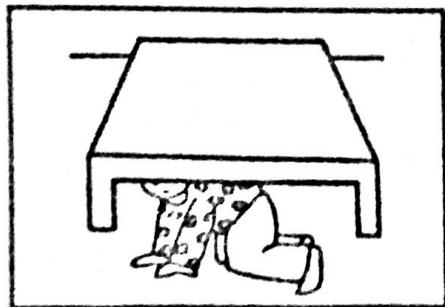
تمرین

جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.



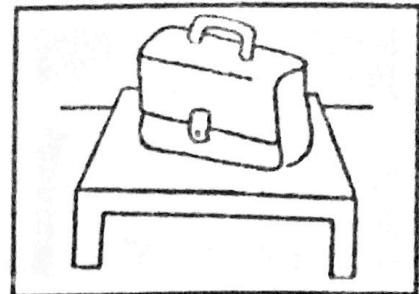
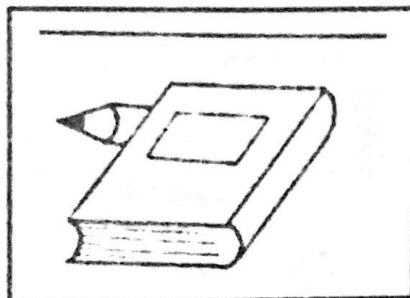
دفتر کتاب

قلم میز



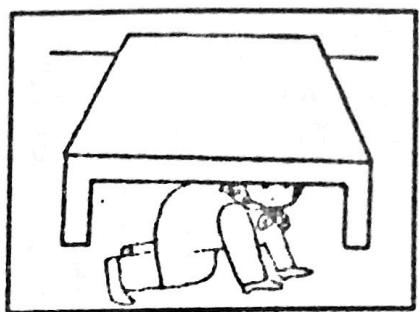
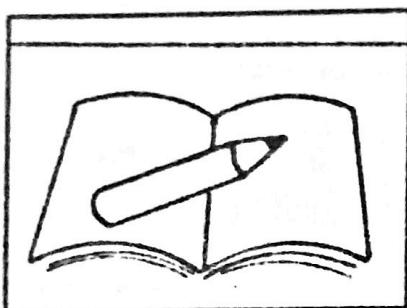
پسر میز

کتاب دفتر



مداد..... کتاب.....

کیف..... میز.....



مداد..... دفتر.....

دختر..... میز.....

بخوانید

است	روی میز	
-----	---------	--

(ا)

کتاب کوچک

کتاب سنگین

کتاب سبک

کتاب قدیمی

کتاب زیبا

کتاب بزرگ

است	روی میز	
	زیر میز	

(ب)

کتاب بزرگ

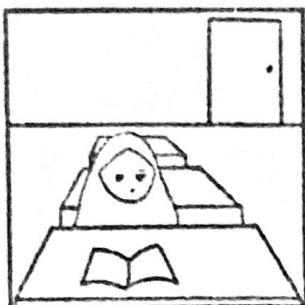
قلم کوتاه

پسر کوچک

کیف قدیمی

دختر کوچک

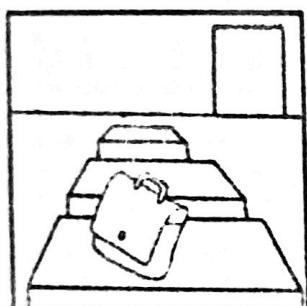
الگو



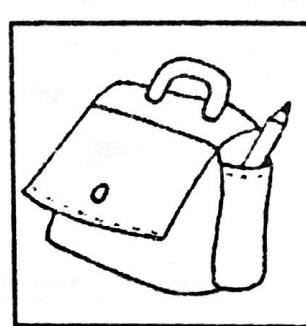
دُخْتَرَ دَرِ كِلاسَ أَسْتَ.
[doxtaer daer kelas aest]



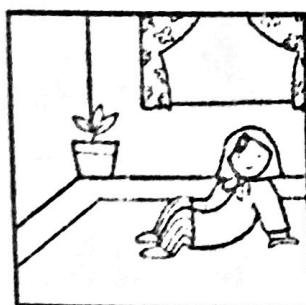
پَسَرَ دَرِ مَدْرَسَهَ أَسْتَ.
[pesaer daer maedrese aest]



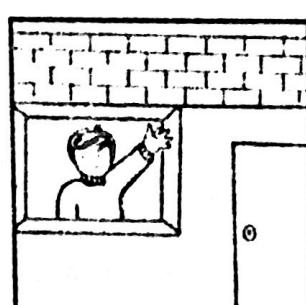
كِيفَ دَرِ كِلاسَ أَسْتَ.
[kif daer kelas aest]



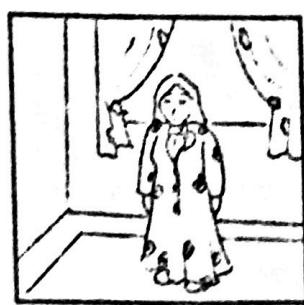
مِدادَ دَرِ كِيفَ أَسْتَ.
[medad daer kif aest]



دُخْتَرَ كُوچَكَ، دَرِ اُتاقَ أَسْتَ.
[dokhtaer-e kuchak daer otaq aest]



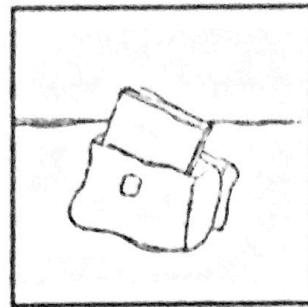
پَسَرَ كُوچَكَ، دَرِ خَانَهَ أَسْتَ.
[pesaer-e kuchak daer khane aest]



زَنِ جَوانَ دَرِ خَانَهَ أَسْتَ.
[zaen-e zavan daer khane aest]



مَرَدَ پَيْرَ دَرِ اُتاقَ أَسْتَ.
[maerd-e pir daer otaq aest]



دَفَّتَرْ بُزُرگْ دَرْ كِيفْ آسَتْ.
[daeftaer-e bozorg daer kif aset]

بخوانید

آست		پُسِرِ كوچَكْ	(۱)
-----	--	---------------	-----

در کلاس	كتاب
در اتاق	دفتر زیبا
در خانه	استاد
	زن پیر
	مرد جوان
	مداد
	دانشجو

است		مداد کوچَكْ
-----	--	-------------

روي ميز	زيرِ كيف
در مدرسه	در اتاق
در خانه	رويِ دفتر
زيرِ كتاب	زيرِ دفتر
در كلاس	

(ب)

است	درخانه	دفتر
	زیر میز	مدادِ کوچک
	روی میز	کتاب

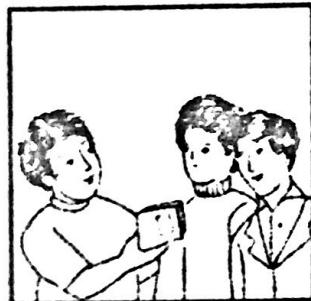
الگو



این کتابِ ما آست.
[in ketab-e ma aest]



این کتابِ من آست.
[in ketab-e maen aest]



این کتابِ شما آست.
[in ketab-e shoma aest]



این کتابِ تو آست.
[in ketab-e to aest]



این کتابِ آنها آست.
[in ketab-e anha aest]



این کتابِ او آست.
[in ketab-e u aest]

بخوانید

(۱)

آست	من		این
-----	----	--	-----

دفترِ قلمِ
میزِ کیفِ
مدادِ اُتاقِ
کتابِ

آست	تو		این
-----	----	--	-----

اُتاقِ کتابِ
میزِ دفترِ
مدادِ قلمِ
کیفِ

آست	ما		این
-----	----	--	-----

دفترِ قلمِ
اُتاقِ کیفِ
میزِ مدادِ
کتابِ

آست	شُما		این
-----	------	--	-----

مدادِ دفترِ
اُتاقِ میزِ
کیفِ قلمِ
کتابِ

آست	آنها		این
-----	------	--	-----

کیف میز
مداد قلم
کتاب دفتر
اتاقِ

(ب)

آست	من	کتابِ	این
	تو	دفترِ	
	او	میزِ	

آست	ما	مدادِ	این
	شما	کیفِ	
	آنها	قلمِ	

بخوانید

(۱) کتاب بُزرگ کتاب
کتاب من کتاب بُزرگِ من

این، کتابِ من بُزرگ است.

کتاب بُزرگ من، روی میز است.

(۲) دفتر بُزرگ دفتر

دفتر بزرگ او

این، دفتر بُزرگ او است.

دفتر بُزرگ او در کیف آست.

(۳)

مِدادِ کوچَک
مِدادِ تو
این، مِدادِ کوچَک تو است.

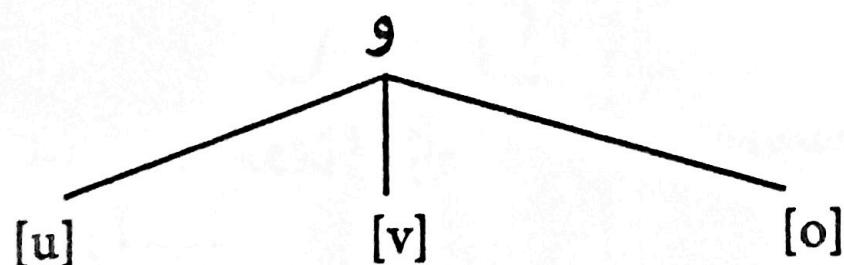
مِدادِ کوچَک تو زیرِ کتاب است.

(۴)

أُسْتَادِ جوان
أُسْتَادِ جوان ما. این، أُسْتَادِ جوان ما است.

أُسْتَادِ جوان ما در کلاس است.

دیکته و رسم الخط



[to]	تو	[zaevan]	جوان	[kut f aek]	کوچَک
[no]	نو	[vae]	و	[ruje]	روی
[rofaen]	روشن	[kave]	کاوه	[dust]	دوست
[gozah]	کوچه	[paerviz]	پروریز	[amuzegar]	آموزِگار

کِتاب من نو است. کِتاب تو نو نیست. کِتاب تو گُهنه است.
أُتاقِ آنها روشن است. أُتاقِ شُما روشن نیست - أُتاقِ شُما تاریک است.

این خانه نو وَزیبا است.
آن أُتاق ساده آست.

متن



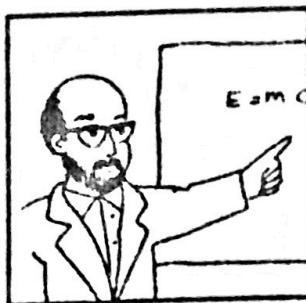
این مرد، پرویز است.
پرویز پدر کاوه و زاله است.
کاوه پسر پرویز است. زاله دختر پرویز است



اسم مادر کاوه و زاله، پروین است.
پروین خانه دار است.
پروین همسر پرویز است.
کاوه دانش آموز است. اودانش آموز دبیرستان است.



اینجا کلاس کاوه است.



[daebir]

این دَبِيرِ کاوه است.

[aqa-je] [maedzidi]

اسم دَبِيرِ کاوه، آقاِي مَجیدی آست.

[fizik]

آقاِي مَجیدی دَبِيرِ فيزيک است.

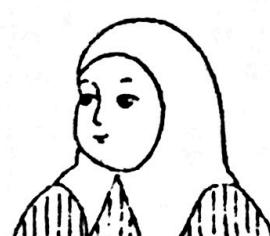


[dust]

این پَسر دوستِ کاوه است.

[dara]

اسم دوستِ کاوه دارا است.

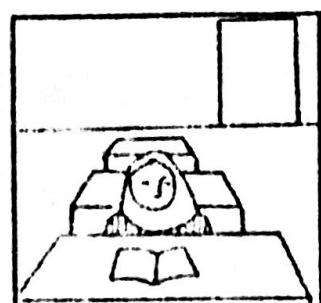


ژاله دانش آموز است. او دانش آموز دَبستان است. [daebestan]



این دُخْتر، دوستِ ژاله است.

اسم دوست ژاله، سارا است.



این جا کلاس ژاله است.



[amuzegar]

این آموز گار ژاله است.

[Khanom-e] [aminī]

إِسْم آموز گار ژاله خانُم امینی است.

خانُم امینی، آموزگار ژاله است.

خلاصه

است.	روی میز	کتاب بزرگ
است	کتاب من	این
است	روی میز	کتاب بزرگ من
است	خانم امینی	إِسْم آموز گار ژاله

شما	ما	من	کلاس	روی
آنها	تو	پدر	مادر	زیر
او	آنها	خانه دار	إِسْم	در
کوچه	خانم	آموز	دانش	همسر
تاریک	روشن	نو	کهنه	دبیر
اینجا	دستان	دوست	فیزیک	و
		دبیرستان	آقا	آموزگار

آموزش زبان فارسی (از مهدی ضرغامیان)

جلد، حصه اول

شرح

درس دوّم

درس دوم

دفتر زیر میز آست۔

رجسٹر میز کے نیچے ہے۔

(the register is below the table)

قلم زیرِ کتاب آست۔

قلم کتاب کے نیچے ہے۔

(the pen is under the book)

کتاب روی میز آست۔

کتاب میز پر ہے۔

(the book is on the table)

مداد روی دفتر آست۔

پنسل رجسٹر پر ہے۔

(pencil is on register)

بخوانید: (Read)

کتاب کوچک، زیرِ میز آست۔

چھوٹی کتاب میز کے نیچے ہے۔

(the small book is below the table)

قلم کوتاه، زیرِ کتاب آست۔

چھوٹی پنسل کتاب کے نیچے ہے۔

(little pencil is under the book)

ذختر کوچک، زیرِ میز آست۔

چھوٹی لڑکی میز کے نیچے ہے۔

(the little girl is under the table)

کتاب بزرگ، روی میز آست۔

بڑی کتاب میز پر ہے۔

(the big book is on the table)

مداد بلند، روی دفتر آست۔

لبی پنسل رجسٹر پر ہے۔

(long pencil is on register)

پسر کوچک، روی میز آست۔

چھوٹا لڑکا میز پر ہے۔

(the little guy is on the table)

تمرين (Exercise)

خالي جگهوں کو مناسب الفاظ سے پڑ تجھے:

- | | |
|-------------------|-------------------|
| دفتر روی کتاب است | قلم زیر میز است |
| پسر زیر میز است | کتاب زیر دفتر است |
| مداد زیر کتاب است | کیف روی میز است |
| مداد روی دفتر است | دختر زیر میز است |

بخوانید: (Read)

- | | |
|--------------------------|------------------------|
| ا) کتاب کوچک زیر میز است | کتاب سنگین روی میز است |
| ب) کتاب بزرگ روی میز است | قلم کوتاه زیر میز است |
| پسر کوچک زیر میز است | کیف قدیمی روی میز است۔ |
| دختر کوچک زیر میز است۔ | |

الگو: نمونہ (Example)

ذختر در کلاس آست۔	پسر در مدرسه آست۔
لڑکی کلاس میں ہے	لڑکا مدرسہ میں ہے۔
(the girl is in class)	(the boy is in the madrasa)

کیف در کلاس آست۔	مداد در کیف آست۔
تھیلہ کلاس میں ہے	پنسل تھیلے میں ہے۔
(the bag is in the classroom)	(pencil is in the bag)

پسَر کوچک، در خانه است.
چھوٹا لڑکہ گھر میں ہے۔
(little boy is at home)

مرد پیر در اتاق است.
بُوڑھا مرد کمرے میں ہے۔
(old man is in the room)

دفتر بزرگ دار کیف است.
بڑا جھٹکھیلے میں ہے۔
(big register is in the bag)

بخوانید: (Read)

۱) پسَر کوچک در خانه است
دختِر زیبا در کلاس است
مداد کوچک روی میز است
مداد کوچک زیر کیف است

ب) دفتر روی میز است
مداد کوچک روی میز است
کلم بلند روی میز است
کتاب روی میز است
کیف در خانه است

الکو: نمونہ (Example)

این کتابِ ما اُست۔

یہ کتاب ہماری ہے

(this book is ours)

این کتابِ من اُست۔

یہ کتاب میری ہے۔

(this bok is mine)

این کتابِ شما اُست۔

یہ کتاب آپ کی ہے

this book is yours

این کتابِ تو اُست۔

یہ کتاب تیری ہے

this bok is yours

این کتابِ آنها اُست۔

یہ کتاب ان کی ہے

this book is their

این کتابِ او اُست۔

یہ کتاب اس کی ہے

this book is its

بخوانید:- Read-

این قلم من است

این دفتر من است

این کتاب تو است

این کیف من است

این قلم تو است

این دفتر تو است

این قلم ما است

این دفتر ما است

این دفتر شما است

این کتاب ما است

این کیف آنها است

این میز آنها است

این دفتر تو است

ب) این کتاب من است

این مداد ما است

این میز او است

این کیف شما است

بخوانید: Read

کِتاب بُرگ

بڑی کتاب

big book

(۱) کِتاب

کتاب

book

کِتاب بُرگِ من

میری بڑی کتاب

My big book

کِتابِ من

میری کتاب

My book

کِتاب بُرگِ من، روی میز است.

میری بڑی کتاب میز پر ہے۔

my big book is on the tbale

این، کِتابِ من بُرگِ است۔

یہ میری بڑی کتاب ہے

this is my big book

دَفَتَر بُرگ

بڑا رجسٹر

Big register

(۲) دَفَتَر

دفتر (رجسٹر)

Register

دَفَتَر بُرگِ او در کیف آست۔

اس کا بڑا رجسٹر تھیلے میں ہے

her big register is in the bag

این، دَفَتَر بُرگِ او آست۔

یہ بڑا رجسٹر اس کا ہے

this big register is its

مِدادِ کوچک

چھوٹی پنسل

your pencil

(۳) مِداد

پنسل،

Pencil

مِدَادِ كُوچَكْ تو
تیری چھوٹی پنسل
این، مِدادِ کوچک تو است.
یہ چھوٹی پنسل تیری ہے
this little pencil is yours
your small pencil

مِدادِ كُوچَكْ تو زیرِ كتاب است.
تیری چھوٹی پنسل كتاب کے نیچے ہے۔
your little pencil is down to the book

اُستادِ جوان
جوان اسٰتاڈ
young teacher
اُستاد
اسٰتاڈ
teacher

اين، اُستادِ جوانِ ما است.
يہ جوان اسٰتاڈ ہمارا ہے
this young teacher is ours
اُستادِ جوانِ ما.
ہمارا جوان اسٰتاڈ
our young teacher

اسٰتاڈِ جوانِ ما در کلاس است.
ہمارا جوان اسٰتاڈ کلاس میں ہے۔
our young teacher is in class

دیکتیٰ و رسم الخط

(Dictation and Prescribed form of writing)

جوان = جوان	کوچک = چھوٹا
young	small

کِتابِ من نو است. کِتابِ تو نو نیست. کِتابِ تو گھنہ است. اُتاقِ آنها روشن است. اُتاقِ شما روشن نیست. اُتاقِ شما تاریک است.

این خانہ نو وزیبا است۔ آن اُتاق سادہ است۔

میری کتاب نئی ہے

your book is not new

my book is new

ان کا کمرہ روشن ہے

their room is bright

تیری کتاب پرانی ہے

your book is old

آپ کا کمرہ تاریک ہے

your room is dark

آپ کا کمرہ روشن نہیں

your room is not bright

وہ گھر سادہ ہے

that house is simple

یہ گھر نیا اور خوبصورت ہے

this house is new and beautiful

متن (Text)

پرویز پدرِ کاوه و زالہ است

پرویز کاوه اور زالہ کا باپ ہے۔

Pervaiz is father of kawa and zala

این مرد، پرویز است۔

یہ مرد پرویز ہے۔

this man is pervaiz

زالہ دختر پرویز است

زالہ پرویز کی لڑکی ہے۔

Zalla is the daughter of Pervaiz

کاوه پسر پرویز است۔

کاوه پرویز کا بیٹا ہے۔

kawa is the son of Pervaiz

اسم مادر کاوه و زالہ، پروین است۔

کاوه اور زالہ کی ماں کا نام پروین ہے۔

kawa and zalla's mother name is perveen

پروین خانہ دار است۔

پروین گھر کی مالکن ہے۔ (گھروالی)

Perveen is the mistress of the house

پروین ہمسر پرویز است۔

پروین پرویز کی زوجہ ہے۔

Perveen is Pervaiz's wife

او دانش آموزِ دبیرستان است۔

وہ بھائی اسکول کا طالب علم ہے۔

he is a student of high school

کاوه دانش آموز است۔

کاوه طالب علم ہے۔

Kawa is a student

این دبیر کاوه است۔

یہ کاوه کا استاد ہے۔

its kawas teacher

اینجا کلاس کاوه است۔

یہاں کاوه کی کلاس ہے۔

here is kawa's class

اسمِ دبیر کاوه، آقای مجیدی است۔

کاوه کے استاد کا نام جناب مجیدی ہے

Kawa's teacher name is Mr. Majeed

آقای مجیدی دبیر فیزیک است۔

جناب مجیدی (Physics) کا استاد ہے

(Mr. Majeedi is a Physics teacher)

اسمِ دوست کاوه دارا است۔

کاوه کے دوست کا نام دارا ہے

(Kawa's friend name is Dara)

این پسر دوست کاوه است۔

یہ لڑکا کاوه کا دوست ہے۔

(This boy is kawa's friend)

او دانش آموزِ دبستان است۔

ژالہ دانش آموز است۔

وہ پرائمری اسکول کی طالبہ ہے۔

زالہ طالبہ ہے۔

(She is the primary school student)

(Zalla is a student)

این دختر، دوستِ زاله است.

این جاکلاس ژاله است.

پڑ کی خالہ کی سہیلی ہے

اس جگہِ زالہ کی کلاس ہے۔

(This girl is Zalla's friend)

(here is classroom of Zalla)

اسم دوست زاله، سارا است.

ذالہ کی سہیلی کا نام سارا ہے۔

(Zalla's friend name is Sara)

این آموزگار ژاله است. ایسم آموزگار ژاله خانم امینی است.

پڑالہ کی استانی ہے کانام خانم ایمنی ہے

(Zalla's teacher name is Miss Aamini)

(This is zalla's teacher)

خانم امینی، آموزگار ژاله است.

خانم امینی ژالہ کی استانی ہے

(Miss Aamini is Zalla's teacher)

خلاصه

یہ کتاب میری ہے

بڑی کتاب میز پر ہے

(This book is mine)

(The big book is on the table)

ذالہ کی استانی کا نام خانم امینی ہے

میری بڑی کتاب میز پر ہے

Zalla's teacher's name is Miss Aamini.

	الفاظ معنی	الفاظ معنی
	Meanings Words	Meanings Words
Mother	= مادر	on پر =
below	= زیر	I میں =
we all	= ما	name نام =
teacher	= آموزگار	this place اس جگہ =
they all	= آنہا	Physics فزیکس =

نوت: ”من“ واحد متکلم کے لئے استعمال ہوتا ہے اور ”ما“ جمع متکلم کے لئے استعمال ہوتا ہے۔

”تو“ واحد حاضر کے لئے استعمال ہوتا ہے اور ”شما“ جمع حاضر کیلئے استعمال ہوتا ہے۔

”او“ واحد غائب کے لئے استعمال ہوتا ہے اور ”انہا“ جمع غائب کے لئے استعمال ہوتا ہے۔